

علم سیاست، ایران امروز و گذارهای پیش رو

مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بین‌المللی انجمن علوم سیاسی ایران

آذر ۱۳۹۸ / انجمن علوم سیاسی ایران

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

همایش بین المللی علم سیاست، ایران امروز و گذارهای پیش رو

سرشناسه:

(سیزدهمین: آذر ۱۳۹۸: تهران)

عنوان و نام پدیدآور:

علم سیاست، ایران امروز و گذارهای پیش رو،

به اهتمام انجمن علوم سیاسی ایران

دبیر علمی:

قدیر نصری (۱۳۵۰) / دانشیار دانشگاه خوارزمی

مشخصات نشر:

تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۸

موضوع:

علوم سیاسی، وضعیت سیاسی ایران و تحولات محتمل - ایران -

کنگره ها

موضوع:

علم سیاست، ایران امروز و گذارهای پیش رو

شناسه افزوده:

انجمن علوم سیاسی ایران

گردآوری و تدوین:

قدیر نصری

ویراستار:

پروین شیردل

صفحه آرا:

علی رودگر صفاری

شمارگان:

۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ:

اول

نشانی دبیرخانه همایش:

تهران، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، خیابان شهید لبافی نژاد،

نش کوچه انوری، شماره یک، تلفن دبیرخانه ۶۶۴۹۳۴۱۲

فهرست مطالب

۱۱	گفتار دبیر علمی همایش.....
	علم سیاست و کارآمدی قانون اساسی در ایران
۱۳	سیدعلیرضا مسینی‌بهشتی.....
	پدیدار شناسی مدنی: مقدمه ای بر اخلاق و سیاست فراسوی دوگانگی فضیلت و آزادی
۲۱	عباس منوچهری.....
	ایران در حال گذار و رویارویی با دشواره اقوام
۳۹	هوشنگ شیفی.....
	راه گذار به توسعه سیاسی ایران؛ تفاهم جریانهای سیاسی با اتکاء به عقلانیت ارتباطی
۴۷	طاہر اصغریور.....
	علم سیاست، ایران امروز و گذارهای اساسی پیش رو
۵۷	قدیر نصری.....
	تحول پارادایمی و نسل جدید سیاست‌ورزی
۶۵	سلیمان صادقی‌زاده.....
	ضعف راهبردی علم سیاست در ایران؛ تاملی در باب مناسبات دانش سیاسی با حکومت
۷۵	اصغر افتخاری.....
	چرا نظریه‌ی سیاسی بر جهان واقعی سیاست تأثیر چندانی نمی‌گذارد؟
۸۱	بهاد میدری.....
	جدال رشته‌ها و اشغال مزیت‌های علوم‌سیاسی
۸۵	روح‌اله اسلامی فاطمه مصیبی.....
	چالش‌های نظریه پردازی در علوم سیاسی ایران از نگاه نخبگان سیاسی؛ ارائه یک مدل زمینه‌ای
۹۵	محمّد بابایی ممد پای بست.....
	تأملی بر اظهار «احیای علوم سیاسی»: امکان یا امتناع بنیان‌گذاری؟
۱۰۷	محمّد عبدالله‌پور چناری.....
	رُخداد، بحران آگاهی و امکان پیش‌بینی‌پذیری سیاسی: درک روانشناختی امر پیشداستانه - پیشگیرانه
۱۲۷	علی اشرف نظری.....
	اندیشیدن عاریتی: ترجمه و معضل تفکر در ایران معاصر
۱۳۹	دکتر عارف عبادی.....
	بازگشت به سیاست: مقدمه‌ای درباره علم سیاست در ایران امروز
۱۴۵	ممید ملک زاده.....

۱۵۳	کنش‌پذیری و کنش‌گذاری کهن‌الگوها در علم سیاست معاصر ایران سیدهاشم منیری.....
۱۶۱	گذار به دولت-ملت: طرح مساله امجد بستانی.....
۱۶۹	علم سیاست و گذار از ذهنیت‌های رادیکال به ذهنیت‌های عمل‌گرای مصالحه‌محور مسعود افوان‌کاظمی، یزدان فالادی‌پور.....
۱۷۷	دلالت‌های هویتی تصویر و برند ایران در نگاه و ضمیر دیگران آرش بیداله فانی.....
۱۸۵	ناکارآمدی به مثابه اصلی‌ترین منبع بروز بی‌ثباتی در ایران فردا مجید استوار، مجتبی استوار.....
۱۹۵	تحلیل انتقادی استعاره‌های متعارف در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی؛ بررسی دشواره‌ای در ایران اکنون سیدمسین اطهری، سیدایمان رضوی.....
۲۰۵	درهم‌تنیدگی انگاره‌های آسمانی و زمینی و سرگردانی خرد بین حق و تکلیف: تاملی در معضل ایرانیان امروز سیدمسین اطهری، سیدهاشم منیری.....
۲۱۳	حفظ تمامیت ارضی کشور؛ به مثابه رسالت دانشگاهی شقایق میدری، مسین سیف‌الدینی.....
۲۲۱	ناکامی سیاست‌گذاری عمومی در ایران محمّد فضری.....
۲۲۹	بحران دولت‌سازی در ایران پس از انقلاب علی‌رضا میدری.....
۲۳۹	سپنتامینو! انگره‌مینو! بس کنید! تاج‌برداری به جای تاج‌داری ممسّن فلیلی.....
۲۵۱	آشتی با نمادهای حقوق بشر دستاوردی برای منافع ملی ایران مهدی ذاکریان.....
۲۵۷	محیط زیست به مثابه دشواره‌ای تمام‌عیار: تحلیل سیاست سبز در قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران فاطمه ذوالفقاریان.....
۲۶۵	وضعیت ایران امروز: معکوسی از تصویر دوم مهدی زیبائی.....
۲۷۳	روح و توسعه شهریار شفق.....

تحلیل انتقادی استعاره‌های متعارف در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی؛ بررسی دشواره‌ای در ایران اکنون

سیدحسین اطهری^۱

سیدایمان رضوی^۲

استعاره در نظر اول، یک صنعت ادبی و آرایش بلاغی برای زیبایی آفرینی در ادبیات تعریف می‌شود. این تلقی مرسوم از استعاره به دیدگاه کلاسیک معروف است. در مقابل، نظریات جدید استعاره یا همان استعاره‌های مفهومی قرار دارند که برخلاف دیدگاه کلاسیک، استعاره را نه موضوع زبان بلکه مسئله‌ی اندیشه می‌دانند. وفق این ادعا، نظام مفهومی ما که اندیشه و عمل‌مان مبتنی بر آن است، از بنیاد استعاری است. قائل شدن نقشی شناختی - معرفتی برای استعاره، این مفهوم را از جنبه‌ی فنون ادبی رایج خارج کرده و در کسوت نظریه‌ای برای تحلیل و فهم اندیشه در آورده است. در این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب نظری استعاره‌های مفهومی در پی پاسخ به این پرسش هستیم که در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی، عرصه‌ی سیاست چگونه دارای معنا شده است. به بیانی دیگر، با تحلیل پیکره‌ای از گفتارهای سیاسی سیاستمداران در بازه‌ی زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ در پی آن هستیم که دریابیم برای مفهوم‌سازی سیاست (به مثابه‌ی حوزه‌ی مقصد که نیاز به معنادار شدن در بین مخاطبین دارد) از چه حوزه‌ی معنایی - واژگانی (به مثابه‌ی حوزه‌ی مبدأ که مبنای معنایی حوزه‌ی مقصد است) استفاده شده است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه‌ی ما در قالب کلید مفهومی "سیاست، دین است" مفصل‌بندی شده است. این کلید مفهومی به عنوان یک استعاره‌ی فراگیر در نظر گرفته شده است که در دلش استعاره‌های چندی در پیوند با هم مورد بررسی قرار می‌گیرند. با وجود بهره‌گیری از دیدگاه‌های زبان‌شناسی شناختی به استعاره، این پژوهش صرفاً وقف ارائه‌ی توصیف و رمزگشایی از استعاره‌های مفهومی در گفتمان سیاسی نشده بلکه با عطف توجه به تحلیل انتقادی استعاره (با بهره‌گیری از مفردات اصلی تحلیل گفتمان انتقادی) بر بُعد اقناعی به منزله‌ی یک هدف رتوریک استعاره‌ها پرداخته است. هدف اصلی از انجام این تحقیق آگاه‌سازی مخاطب از نقش پنهان استعاره‌ها در موقعیت‌هایی است

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

که از وقوع کنشِ گفتاری استعاره‌ها آگاه نیستند. لذا با تأکید بر ماهیتِ انتخابی استعاره‌ها (باهدفِ برهم زدنِ فرضِ طبیعی بودنِ استعاره‌های متعارف) بر امکانِ به چالش کشیدنِ این استعاره‌ها به مثابه‌ی یک دشواری حیاتی برای ایرانِ اکنون و حرکت به سمت ایجاد استعاره‌های بدیع از سیاست تأکید کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: استعاره؛ مفهوم‌سازی؛ گفتمان‌سیاسی؛ تحلیل انتقادی؛ حوزه‌مبدأ؛ حوزه‌هدف

بیان مسئله

واژه لاتین *metaphor*، مشتق از واژه‌ی یونانی *metaphora* است که خود حاصل ترکیب *meta* به معنای "فرا" و *pherein* به معنای "بردن یا حمل کردن" است. مقصود از این واژه نوع خاصی از فرایندهای زبانی است که در آن‌ها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر فرآورده یا منتقل می‌شود. به نحوی که از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است (Hawkes, 1972:22). در این منظر، که به دیدگاه کلاسیک معروف است، استعاره اصلی‌ترین شکل زبان مجازی (یعنی زبانی که مقصودش همان که می‌گوید نیست) است. وفق این دیدگاه، استعاره در بخش کوچکی از زبان، خارج از چهارچوب‌های زبان متعارف و در حوزه ادبیات به عنوان یک آرایه بلاغی مورد استفاده‌ی اهالی شعر و ادبیات قرار می‌گیرد.

در مقابل این دیدگاه کلاسیک (که جریان غالب در تعریف استعاره هستند) نظریه‌ی معاصر استعاره^۱ قرار دارد که برای استعاره جایگاهی شناختی- معرفتی قائل است و آن را از سلطه‌ی بلامنازع ادبیات خارج می‌کند. بر مبنای این نظریات جدید، استعاره دیگر نه فقط موضوع زبان، بلکه مسئله‌ی اندیشه است. بدین معنا فرایندهای اندیشه و نظام مفهومی انسان عمده‌تأ استعاری هستند. بر این اساس، استعاره نگاشتی^۲ از حوزه مبدأ^۳ به حوزه هدف^۴ است که جایگاه آن نه در دستور زبان، بلکه بخشی از نظام مفهومی^۵ زیرساخت زبان است (Lakoff, 1992:5). به همین دلیل حضور استعاره‌ها در نظام مفهومی انسان است که قالب برخی عبارت‌های زبانی ما حالت استعاری دارند. بر مبنای این ادعا، انسان برای فهمیدن بسیاری از مفاهیم که دارای اهمیت هستند، یا انتزاعی هستند و یا تصویر روشنی از آن‌ها در ذهن ندارند به مفاهیم دیگری متوسل می‌شوند که از وضوح بیشتری برخوردارند. این نیاز به تعریف استعاری در نظام مفهومی ما منجر می‌شود. لذا استعاره نقش وسیعی در نحوه عملکرد و در چگونگی مفهوم سازی تجربه توسط ما بازی می‌کند و از قدرت قابل توجهی در تعریف واقعیت برخوردار است. اهمیت استعاره‌ها در معنابخشی به واقعیت بی‌شکل تنها آن زمان بیشتر می‌شود که این نظام مفهومی استعاره بنیاد، مبنای کنش در زندگی روزمره و در عرصه اجتماع و سیاست قرار می‌گیرد. بدین معنا،

1. contemporary theory of metaphor
2. mapping
3. source domain
4. target domain
5. conceptual system

۶. مثلاً زمانی که فهم ما از "بحث" در قالب استعاره بحث جنگ است مفهوم سازی شود، سعی در غلبه بر حریف (طرف گفتگو) را داریم. سعی می‌کنیم بر او پیروز شده، او را خلع سلاح کرده و افتخار پیروزی را نصیب خود کنیم. حال آن که

ما تجربیاتی در زندگی روزمره در تعامل با دیگران و در سطحی وسیع‌تر در حوزه سیاست داریم که این تجربیات بدون وجود اندیشه استعاری فاقد معنایده و لذا نمی‌توان نام تجربه بر آن نهاد (Lakoff & Johnsen, 2003:153)

در این مقاله، ما بر تحلیل انتقادی استعاره^۱ تأکید داریم. این نوع تحلیل مبتنی بر تعریف جدید استعاره (نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی) با ابتناء بر مفردات اصلی نظریه تحلیل گفتمان انتقادی، چهارچوبی کارآمد برای بررسی سیاست به دست می‌دهد. از جمله مهمترین مؤلفه‌های تحلیل گفتمان انتقادی این ادعا است که خلق و بازتولید مناسبات قدرت نابرابر میان گروه‌های اجتماعی به مدد پرکتیس‌های گفتمانی انجام می‌شود و این پرکتیس‌های گفتمانی در حفظ بقای جهان اجتماعی دارای نقش به سزایی هستند (یورگن وفیلیپس ۱۳۸۹: ۱۱۴). در این نوع از تحلیل گفتمان، کاربرد زبان نقش محوری در مسائل قدرت در جامعه دارد و سعی بر افزایش آگاهی مخاطب از روابط اجتماعی‌ای دارد که به واسطه کاربرد زبان ایجاد، تقویت و حمایت می‌شود تا آن‌ها را تغییر دهد (Charteris-Black, 2004:28-29). وفق این اصول اساسی، در تحلیل انتقادی استعاره، استعاره‌ها جزئی از ابزارهای ایدئولوژیک هستند که با ایفای نقش در گفتمان، در شکل‌دهی و معنادار ساختن جهان سیاست توسط قدرت نقش اساسی دارد. بدین معنا، قدرت راهبردهای سیاسی و اجتماعی انتزاعی را به گونه‌ای باز می‌نمایاند که برای مخاطبین (مردم) دارای معنای مشخص باشند و با پنهان‌سازی فرایند معناداری به تجربیات سیاسی، به گونه‌ای این معنا را ذاتی و متعارف^۲ می‌پندارد.

با تکیه بر این مقدمه کوتاه در باب چیستی استعاره و تأثیر آن در تحلیل انتقادی استعاره، در پی آن هستیم تا دریابیم سیاست در ایران پس از انقلاب اسلامی (با توجه به تحلیل انتقادی استعاره) چگونه معنا یافته است؟ در واقع مسئله اصلی در این مقاله این است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست برای ایرانیان چگونه به فهم درآمده است و یا به بیانی بهتر، ایدئولوژی حاکم بر گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی چه معنایی از سیاست را تولید کرده و در آشکارسازی این فرآیند به تحلیل انتقادی استعاره‌های موجود در گفتارهای سیاسی (گفتارهای آیت الله خمینی) در دهه اول انقلاب پرداخته‌ایم. در واقع در صدد آن هستیم که نشان دهیم (با پذیرش فرضیه اساسی نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی یعنی استعاره بنیاد بودن نظام مفهومی بشر) آن حوزه مبدأ که به تجربیات سیاسی ما (که در چهارچوب نظریه استعاره

اگر بحث در قالب استعاره بحث رقص دونفره است مفهوم‌سازی شود احتمالاً نحوه کنش ما در هنگام انجام دادن فعلی بحث کردن متفاوت خواهد بود.

1. critical metaphor analysis
2. conventional

باید آن را حوزه مقصد بنامیم) معنا می‌دهد کدام است؟ ایدئولوژی حاکم بر نظام سیاسی جمهوری اسلامی در دهه نخست انقلاب چه استعاره‌ای را انتخاب کرده است تا با بهره‌گیری از آن سپهر سیاست را برای ما معنادار کند؟

در پاسخ به این پرسش‌های مرتبط باهم، با رمزگشایی^۱ از استعاره‌ها در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی برآنیم که بر نقش اقناعی^۲ آن‌ها تأکید کنیم و ضمن ارائه‌ی تحلیل انتقادی آن‌ها به مثابه‌ی دشواره‌ای برای ایران اکنون، بر ماهیت انتخابی استعاره‌ها اشاره کرده و امکان ارائه‌ی استعاره‌های بدیع^۳ را با هدف پیشنهادی برای رفع آن دشواره‌ها در سیاست ایران امروز مد نظر قرار دهیم.

در جهت پاسخ به پرسش‌های فوق، فرضیه‌ی ما در قالب کلید مفهومی^۴ سیاست دین/است بیان می‌گردد. توضیح آن که با بهره‌گیری از مفردات اصلی نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی، به نظر می‌رسد که حوزه‌ی سیاست در ایران عمدتاً (و نه مطلقاً، زیرا طبق نظریه استعاره‌ی مفهومی نظام مفهومی بشر از تعداد بسیار زیادی استعاره تشکیل شده است و احتمالاً تنها بخشی از نظام مفهومی ما در فهم سیاست متشکل از حوزه‌ی واژگانی دین است) با حوزه مفهومی -واژگانی دین ساختار یافته و در قالب یک تجربه‌ی معنادار شکل می‌پذیرد.

ریشه‌ها و دلایل بروز مسئله

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، فضای استعاری گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفت. آرایش خُرده گفتمان‌های حاضر در عرصه‌ی سیاسی ایران در آن سالها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اول، خُرده گفتمان‌هایی که ریشه در تجددگرایی داشتند و دوم، خُرده گفتمان‌هایی که متأثر از سنت‌گرایی بودند. ذیل دسته‌ی دوم، احزاب و گروه‌هایی قرار داشتند که خواستار ترکیب اسلام و سیاست و تأسیس حکومت دینی یا روحانی و اجرای احکام اسلام از طریق تأسیس نظام سیاسی بودند. (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۱۳۷). گفتمان انقلاب اسلامی حاصل مفصل‌بندی دو نشانه‌ی جمهوری (به نمایندگی خُرده گفتمان‌های تجددگرا) و اسلامیت (به نمایندگی خُرده گفتمان‌های سنت‌گرا) بود. با توجه به نقش اساسی آیت الله خمینی به مثابه دال مرکزی کلان گفتمان انقلاب اسلامی و همچنین بهره‌گیری تمام و کمال از مزیت پایگاه حمایت توده‌ای (بشیریه، ۱۳۹۴: ۲۳۷)، جریان بنیادگرایی اسلامی تأثیر به‌سزایی بر شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی داشت که پس مدتی با تشکیل و طرد

1. decoding

2. persuasion

3. novel metaphors

4. conceptual key

۵. کلید مفهومی استعاره‌ای فراگیر است که بیانگر گروهی از استعاره‌های مرتبط است (Charteris-Black, 2004: 191)

غیریت‌های سکولار و شکل‌گیری فضای تقابل و تضاد این خُرده‌گفتمان با به حاشیه راندنِ دیگر خُرده‌گفتمان‌ها نقش بیشتری در گفتمان انقلاب اسلامی داشت (سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۴۵). این تحولاتِ درون‌گفتمانی، مؤید تأثیر قابل توجه اسلام و بنیادگرایی اسلامی در تعریف استعاری سیاست در دهه‌ی اول انقلاب اسلامی است.

تحلیل مسئله:

در ادامه، به پاره‌ای از گفتارهای آیت الله خمینی می‌پردازیم و سعی خواهیم کرد که ماهیت استعاری تعریف از سیاست - که در قالب سیاست دین/است مفصل‌بندی شده است - را با بررسی چند کلیدواژه که محل انتقال معنا از حوزه‌ی دین به سیاست هستند آشکار سازیم. در این جا ذکر یک نکته لازم است و آن هم این که از بین استعاره‌های موجود در گفتارهای آیت الله خمینی، با توجه به حجم نسبتاً کم مقاله، تنها آن استعاره‌هایی که کاربرد بیشتری داشته و برای مخاطبین آشنا تر هستند به عنوان نمونه بیان شده و تحلیل این تعداد محدود از استعاره‌ها به معنای ردّ فرضیه‌ی تعریف استعاری در دیگر استعاره‌ها نیست.

۱- نهضت و قیام

«...قدرتی که ملت ما بر جهان عرضه کرد بی‌سابقه بوده است. ملتی که پنجاه و چند سال تحت فشار طاقت فرسا بود در عین حال قیام کردند و نهضت کردند». (سخنرانی در جمع هیئت دولت موقت در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۵۷)^۱

«...برای قیام حکومت اسلامی وقت لازم است» (سخنرانی برای اقشار مختلف مردم قم در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۵۸)

اشاره به دو واژه‌ی قیام و نهضت برای توصیف تحولات سیاسی-اجتماعی در بهمن سال ۱۳۵۷ نشان دهنده‌ی تعریفی استعاری از این واقعه‌ی سیاسی بر مبنای واژگان دینی است. واژه‌ی عربی نهضت به معنای جنبش است و به شکلی کاملاً رایج در مراودات روزانه و تعریف جنبش‌هایی مانند قیام امام حسین (ع) و نهضت عاشورا به کار می‌رود. در گفتارهای آیت الله خمینی مفهوم نهضت و قیام (که به کرات در متن قرآن به اشکال قیام، قیام و... آمده است) برای توصیف و معنادار ساختن این رخداد سیاسی به کار می‌رود.

۱. تمامی پاره‌گفتارهای ارائه‌شده از آیت‌الله خمینی در این متن برگرفته شده از سایت جامع امام خمینی به نشانی اینترنتی www.emam.com می‌باشد.

۲- راه

«... (در خصوص لزوم اقدام انقلابی پس از پیروزی انقلاب) ما در نیمه‌ی راه هستیم و راه هنوز به پایان نرسیده است... شما باید خود را نیمه پیروز بدانید... و بقیه راه را با همت همه تعقیب کنید و به نهایت برسانید.» (سخنرانی در جمع هیئت دولت موقت در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۵۷)

یکی از زیاترین و پُربسامدترین استعاره‌ها در قرآن استعاره‌ی سفر است. این بدان معناست که قرآن خود را به عنوان سرچشمه‌ی هدایت معرفی می‌کند و کسانی که از رهنمودهای آن پیروی می‌کنند به عنوان رهروان راه راست معرفی می‌شوند. آن گونه که جانانان چارتریس - بلک می‌گوید "محمد (ص) در جوانی سفرهای بسیاری را با کاروان‌های تجاری از مکه به سوریه همراهی کرده بود... هم‌چنین می‌دانیم چه پیامدهای جدی‌ای برای کسانی که در بیابان راه گم کرده‌اند وجود داشت" (Black, 2004: 225) این موارد باعث استفاده‌ی زیاد از مفهوم راه (صراط در زبان عربی) شده است. این استعاره پربسامد در متن مقدس اسلام یعنی قرآن و تکرار آن در سخنان آیت الله خمینی نشان‌گر نگاشت از حوزه‌ی مبدأ دین اسلام در حوزه‌ی هدف سیاست و نقش این نگاشت استعاری در معنابخشی سیاست است.

۳- شیطان

«...ملتی که هیچ نداشت در مقابل قدرت شیطانی که همه چیز داشت به قوه‌ی ملیت نمی‌تواند غلبه کند» (سخنرانی در جمع پاسداران در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۵۸)

«... و کدام بُت از شیطان بزرگ آمریکای جهان‌خوار و شوروی ملحد متجاوز بزرگتر است... مسلمانان در مواقف و مراسم این عبادات... لازم است با هشیاری مراقب اعمال ضد اسلامی و ضد قرآنی این عمال خبیث باشند و آنان را که با نصیحت به اسلام و منافع مسلمین وقعی نمی‌نهند از خود برانند که اینان از طاغوت شیطان‌تر و پست‌ترند.» (پیام به مردم و زائران بیت الله الحرام به مناسب ایام حج در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۶۵)

استفاده از مفهوم شیطان (به معنای دشمن، شر و حيله‌گر) که در قرآن (به اشکال مختلف شیطان، شیاطین و...) بیش از هشتاد بار تکرار شده است، به نوعی بر نگاشت و استفاده از حوزه‌ی مفهومی - واژگانی اسلام برای توصیف مخاصمات در سیاست داخلی و خارجی و هم‌چنین به حاشیه‌رانی جریانات فکری سیاسی مختلف اشاره دارد.

۴- بُت

«...بنای نظام شاهنشاهی از بین رفت... و این بُت ها هم خواهند رفت.» (سخنرانی در جمع مسئولان نظام در تاریخ ۹ آذر ۱۳۶۴)

«...مبادا اساتید و معلمین... از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها بُت بتراشند» (پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۶۷)

بخش مهمی از تاریخ اسلام در ابتدای شکل‌گیری آن صرف مبارزه با بُت و بُت پرستی شده است. لذا واژه بُت در بین مسلمانان مرسوم و شناخته شده است و بر این اساس مبنایی برای شناخت سیاست (نظام شاهنشاهی و کشورهای پیشرفته غربی) در نظر گرفته می‌شود.

۵- جبهه و شهادت

«... (در خصوص تحویل و صرف کمک‌های مردمی به مناطق جنگی) دست اندر کاران کمک‌های مردمی به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل..»

«...خانواده‌های شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان خود حافظ و نگهبان ارزش شهادت بوده‌اند» (پیام به ملت ایران؛ سیاست‌های کلی نظام در دوران بازسازی در تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۶۷)

مفهوم جبهه و شهادت در سخنان آیت الله خمینی در توصیف و تعریف جنگ هشت ساله با عراق از آن جهت دارای اهمیت است که این مفاهیم (مانند بسیاری از دیگر مفاهیم) این رخداد سیاسی را با انتخاب مفاهیم از حوزه‌ی مفهومی-واژگانی دین (عمدتاً موجود در متن قرآن و سنت اسلامی) مفهوم‌سازی می‌کند. بدان معنا که جنگ در قالب جبهه‌های نبرد حق علیه باطل تعریف می‌شود و در سایه این نوع از مفهوم‌سازی، مفهوم شهادت معنا می‌یابد. مفهوم شهادت نیز بارها به اشکال مختلف در قرآن (الآشهده، شَهْدَت و...) تکرار شده است این مفهوم نیز در معنادار ساختن عمل جنگیدن و کشته شدن در جنگ حائز اهمیت بسیاری است.

۶- خیانت و خائن

«... آنها که در نوشتجات خود از کلمه دموکرات استفاده می‌کنند عاند و خائن هستند» (سخنرانی برای اقشار مردم در قم در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۵۸)

«...این آزادی‌ای که آقایان می‌خواهند آزادی‌ای است که قدرتمندها دیکته کرده‌اند و نویسندگان ما یا غافلند یا خائن.» (سخنرانی در جمع اقشار مختلف مردم در قم در تاریخ ۲ شهریور ۱۳۵۸)

مفهوم خائن نمونه‌ی دیگری از نگاه‌ساز مفهومی است که با استفاده از نوع فعالیت گروهی از افراد معنادار می‌شود و بر مبنای این معنایابی اساس نحوه‌ی عمل و واکنش نسبت به آن‌ها نیز تا حد بسیار زیادی مشخص می‌شود. واژه‌ی خائن از جمله واژگان پرکاربرد در متن قرآن (به اشکال مختلف الخائنین،

خائنه، للخائنین) است که معنای صریح و شفاف خود را از آن دریافته و بر اثر نگاشت مفهومی، معنای خود را بر گروهی از انسان‌ها (این که این افراد چه کسانی هستند و مهم‌تر از آن این که چگونه باید با آن‌ها رفتار کرد) بازتاب می‌دهد.

۷- تفرقه

«...مخالفین ما کوشش می‌کنند که در تمام جاهایی که ممالک مستضعفین هست و ملت‌های مستضعف هست... چه ملت‌های اسلامی و چه غیر اسلامی که مستضعف هستند... با فعالیت‌های متعدد بین این‌ها تفرقه بیندازند.»

«...این تفرقه (اشاره به اختلافات بین روحانیون و روشنفکران) باعث شد آن‌ها به آمل خودشان رسیدند.» (سخنرانی در جمع نویسندگان در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۵۷)

در متن قرآن واژه تفرقه به اشکال مختلف بارها تکرار شده است. معنای آن، آن‌گونه که در ترجمه‌های مختلف قرآن آمده است پراکندگی و چند دستگی است (مثلاً در سوره آل عمران، آیه ۱۰۳ و ۱۰۵). در متن فوق، استفاده از مفهوم تفرقه برای بیان چپستی اختلافات طیف‌های فکری گوناگون به منظور معنابخشی و آشکار ساختن ماهیت این اختلافات است.

در این مقاله کوتاه سعی کردیم با تحلیل گزیده‌ای از گفتارهای آیت الله خمینی (از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸) پرتوی بر نحوه‌ی فهم و مفهوم سازی سیاست در این سال‌ها افکنده شود. بی شک این نوع تحلیل از دوجنبه قابلیت گسترش دارد. اول آن که می‌توان با رویکرد پیکره‌ای^۱، گفتارهای مورد تحلیل را در بازه‌ی زمانی طولانی‌تری مورد بررسی قرار داد (مثلاً پیکره‌ای زبانی از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۸۸ و...) دوم آن که طیف متنوعی از گفتارها را (مثلاً دیگر صاحب منصبان سیاسی و یا تحلیل داده‌های روزنامه‌ها و مجلات و...) در نظر گرفت.

چه باید کرد؟

معنا مبتنی بر شبیه‌سازی^۲ است. اشاره به مفهوم شبیه‌سازی در خلق معنا حاکی از اهمیت درک ماهیت انتخابی معنا است. مفهوم‌سازی تجربیات، براساس معانی و ساختارهایی است که از قبل در ذهن ما وجود دارد. براساس نظریه‌ی تحلیل انتقادی استعاره، ایدئولوژی نقشی اساسی در معنا آفرینی برای تجربیات گوناگون ما دارد و در این بین استعاره ابزار بسیار کارایی برای اهداف اقناعی ایدئولوژی است. مسئله‌ی اساسی، متعارف شدن این استعاره‌های معنا آفرین و پنهان شدن سازوکار انتخابی آن است. این

1. corpus

2. simulation

پنهان شدن سازوکار انتخابی معنا (معنای سیاست) مقدمه‌ای بر حذف نقش بسیار مهم سوژه در برهم زدن معنای استعاره ایجاد شده است. لذا شناخت بیشتر استعاره مؤلفه ضروری آزادی‌اندیشه است. در تحلیل مفاهیم موجود در سخنان آیت الله خمینی، به نقش آن مفاهیم در انتقال معنا از حوزه دین به حوزه سیاست تأکید داشتیم و نشان دادیم که ایدئولوژی حاکم با بهره‌گیری از حوزه واژگانی-مفهومی دین چگونه سیاست را برای مخاطبین دارای معنا می‌کند. پرسش مهم در این جا این است که نقش این استعاره‌ها در دشواره‌های موجود در ایران اکنون است چیست؟ در پاسخ باید گفت که فهم فعلی از سیاست که در قالب کلید مفهومی سیاست دین است مفصل‌بندی شده است فضای گفتمانی‌ای مبتنی بر دوگانه‌ها فراهم ساخته است. بیگانه/خودی، دشمن/دوست، خائن/وفادار، بابصیرت/ بی بصیرت و... که بیشتر آن‌ها حاصل نگاشت مفاهیم از حوزه دین در سیاست است موجب ظاهرشدن نظام سیاسی در هیئت نظامی با کمترین میزان تساهل نسبت به افراد و جریان‌های فکری شده است که حذف و به حاشیه‌رانی آن‌ها، هدر دادن سرمایه‌های اجتماعی است. همچنین در حوزه روابط خارجی، ترسیم مناسبات با دیگر کشورها بر مبنای اصطلاحات عمدتاً دینی روابطی مبتنی بر تخصص، دوگانگی و نبرد حق علیه باطل را تداعی می‌کند که رهاورد آن چیزی جز انزوای بیشتر در عرصه بین‌المللی و افزایش فشارهای خارجی نیست. حال تحلیل انتقادی استعاره چه پیشنهادی برای مادراد؟

در پاسخ باید گفت نخستین گام آگاه‌سازی اقشار مختلف جامعه از ماهیت انتخابی معنای‌ای است که به سیاست داده می‌شود. تحقق این آگاهی مقدماتی از طریق بحث و تبادل نظر در عرصه عمومی (اعم از ارائه نظرات در مجامع علمی و اظهار نظر در سطحی عمومی‌تر) است. این آگاهی مقدماتی ماهیت غیرذاتی و انتخابی یا تصادفی معنای سیاست و اجتماع را نشان داده و این خود گام نخست در ارائه استعاره‌های بدیع از سیاست و اجتماع است. در گام دوم باید سعی در معرفی تجربه‌هایی کرد که می‌توانند تشکیل دهنده‌ی اساس استعاره‌های جایگزین باشند. در واقع، با این کار استعاره‌های متعارف ما از سیاست، با چالش مواجه شده و این لرزش پایه‌ها آغاز روند تغییر آن‌ها و جایگزینی استعاره‌ها با استعاره‌های جدید است.

تمام این اقدامات می‌توانند در سطوح اولیه آموزش، آغازی بر شکل‌گیری استعاره‌های بدیع و پیشنهاد روشی جایگزین برای اندیشیدن به خود، جامعه، سیاست و... باشد.